

مبانی نظری و شاخص‌های «جامعه‌اسلامی»  
در اندیشه سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)  
علی باقری دولت‌آبادی<sup>۱</sup>، محمد کمالی زاده<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۵

چکیده:

رهبر معظم انقلاب در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی رونمایی و از آن به عنوان سندی برای تمدن‌سازی اسلامی یاد کردند. یکی از مقدمات شکل‌گیری این تمدن اسلامی عبور از مرحله جامعه اسلامی است. مفهوم شناسی جامعه اسلامی و فهم مبانی نظری آن از دو جهت اهمیت دارد: اولاً اینکه این مفهوم، یکی از وجوه تمایز و تشخیص این جامعه با سایر جوامع است. ثانیاً در مراحل پنج‌گانه رسیدن به تمدن اسلامی که از سوی آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) ترسیم شده، جامعه اسلامی به عنوان چهارمین موقف از مواضع تمدن‌سازی، از اهمیت بالایی برخوردار است. پرسش بنیادین پژوهش حاضر این است که مهم‌ترین مولفه‌های مبانی تأثیرگذار بر تلقی آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) از جامعه اسلامی کدام‌اند و نحوه‌ی این تأثیرگذاری چگونه است؟ برای فهم این تلقی خاص و نیز کشف جایگاه جامعه اسلامی در منظومه فکری ایشان، لازم است بنیادهای پیشینی جامعه اسلامی در نگاه معظم له فهم شود. فرضیه این نوشتار این است که مبانی پیشینی اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، تأثیر تعیین‌کننده‌ی بر تلقی و نوع نگاه ایشان به جامعه اسلامی دارد. یافته‌های مقاله که بر اساس رهیافت تفسیری و روش تحلیل کیفی به دست آمده؛ نشان می‌دهد که بنیادهای نظری «هستی‌شناسی اسلامی»، «معرفت‌شناسی اسلامی» و «انسان‌شناسی اسلامی»، تأثیر خاصی بر شاخص‌های جامعه اسلامی در نگرش آیت‌الله خامنه‌ای دارند.

واژگان اصلی: جامعه اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، انسان‌شناسی، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی.

۱. دانشیار علوم سیاسی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران. (نویسنده مسئول) abagheri@yu.ac.ir  
۲. استادیار، پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران ایران.

## مقدمه

جامعه، یکی از آن مفاهیم به ظاهر ساده، اما به غایت پیچیده و سیالی است که از قضا قابلیت های فراوانی برای تاویل می یابد. اینکه جامعه چیست؟ و از چه عناصری تشکیل شده است؟ آیا جامعه، محصول جمع ریاضی فرد انسان هایی است که در یک جغرافیای خاص با هم زندگی می کنند یا نوعی اجتماع است که در بطن خود، حامل نوعی وحدت ارگانستی است؟ آیا جامعه اصالت دارد یا فرد؟ و ... همه و همه ی این پرسش ها، محل نزاع و معرکه آراست. البته در اینجا قصدی برای ورود به تمامی این پرسش های بنیادین نیست، تنها غرض ذکر این نکته است که اختلافات زیادی در تلقی مکاتب و اندیشمندان مختلف در پاسخ به پرسش های مذکور وجود دارد. جامعه، آنگاه که متصف به برخی وصف های خاص می شود (نظیر مفهوم جامعه اسلامی)، قدری معنای روشن تری می یابد و به نسبت مفهوم خود جامعه، از وضوح مفهومی بالاتری برخوردار می شود؛ چرا که وقتی از جامعه اسلامی صحبت به میان می آید، جامعه، بیشتر در اینجا نوعی فرم و قالب در نظر گرفته می شود که روح، محتوا و جهت گیری های خاص آن را ارزش های اسلامی تعیین می کند؛ چنانکه برای مفهومی به نام جامعه مسیحی و یا جامعه یهودی و حتی مفهومی به نام جامعه مدرن نیز می توان به سیاق مفهوم جامعه اسلامی، از جهت گیری های یک جامعه در جهت ارزش های مسیحی، یهودی و یا ارزش های جهان تجدد و مدرنیته سخن گفت. درخصوص جامعه اسلامی نیز ذکر این نکته لازم است که تلقی اندیشمندان مسلمان از این مفهوم تلقی واحدی نیست و تعاریف متعددی از آن وجود دارد. به عنوان مثال در بین اندیشمندان مسلمان معاصر نظیر علامه طباطبایی، محمد باقر صدر، امام خمینی، استاد مطهری، شهید بهشتی و ... تفاوت هایی در تلقی آن ها از مفهوم جامعه و نیز جامعه اسلامی وجود دارد. یکی از اندیشمندان مسلمان معاصر که جامعه اسلامی، جایگاه مهمی در منظومه فکری ایشان دارد، آیت الله خامنه ای است. نکته مهمی که در این میان وجود دارد، این است که اندیشه اجتماعی هر اندیشمندی، دارای یک مبانی پیشینی است و لذا فهم آن اندیشه بدون فهم آن مبانی و عقبه قابل فهم نیست. طبیعی است که تلقی آیت الله خامنه ای از جامعه اسلامی نیز ریشه در مبانی پیشینی اندیشه ایشان دارد که به منظور فهم جایگاه جامعه اسلامی در منظومه فکری معظم له، این مبانی باید به درستی فهم شود. پیش فرض مقاله حاضر این است که ارتباط معناداری میان جامعه اسلامی در اندیشه آیت الله خامنه ای با مبانی پیشینی اندیشه ایشان (و نوع نگاه خاص به مسأله اسلام شناسی، هستی شناسی و انسان شناسی) وجود دارد و شاخص های جامعه اسلامی از منظر ایشان را باید با رجوع به این مبانی مورد بررسی و تحلیل قرار داد. بر این اساس پرسش پیش

روی مقاله حاضر این است که مهم‌ترین مولفه‌های مبناییِ تاثیر گذار بر تلقی آیت الله خامنه‌ای از جامعه اسلامی کدام‌اند؟ نحوه‌ی این تاثیرگذاری چگونه است؟ و جامعه اسلامی مورد نظر ایشان از چه شاخصه‌هایی برخوردار است؟ روش ما در این مقاله مبتنی بر رهیافت تفسیری و روش تحلیل کیفی است و شیوه گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و اسنادی است. برای تفسیر داده‌ها از دور هرمنوتیکی استفاده شده است. دور هرمنوتیکی در اینجا به معنای شلایرماخری آن و فهم جزء با کل و کل با جزء چه در تاویل متنی و چه در تاویل روانشناختی یا فنی است نه به معنای دیگر آن یعنی مبحث فهم قبلی برای هر فهم دیگر (منوچهری، ۱۳۹۰: ۵۸). تحلیل و برداشت ما از بیانات رهبری در حوزه‌های گوناگون مرتبط با «جامعه اسلامی»، به عنوان داده‌های این تحقیق، در چارچوب فهم و برداشتی است که از گزاره‌های معرفت‌شناسانه، هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه اندیشه ایشان بدست آمده است و بالعکس، همین داده‌ها، ما را به سمت شناخت و تبیین ابعاد سه‌گانه فوق، رهنمون ساخته‌اند.

#### ۱- پیشینه پژوهش

مقالات متعددی تاکنون پیرامون اندیشه آیت الله خامنه‌ای به رشته تحریر درآمده است. عمده مقالاتی که در این فضا نوشته شده، بیشتر به دولت دینی، نظام‌سازی و انقلاب اسلامی و ... در اندیشه آیت الله خامنه‌ای پرداخته است (نوری، ۱۳۹۷؛ لک زایی، ۱۳۹۷؛ عینی زاده، ۱۳۹۶؛ معینی پور، ۱۳۹۵؛ اشرفی، ۱۳۹۵؛ جاویدی، ۱۳۹۵) و مفهوم جامعه و یا جامعه اسلامی از نظر ایشان، کمتر مورد مذاقه نظری قرار گرفته است. از میان محدود آثار نگاشته شده در این باره چهار اثر به موضوع پژوهش حاضر نزدیک و حائز اهمیت بودند.

در مقاله انسان و جامعه در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای (لک زایی، ۱۳۹۵) نویسنده با روشی تحلیلی و استنادی سعی کرده به این پرسش پاسخ دهد که از نظر آیت الله خامنه‌ای، نگاه اسلام به فرد انسان و مجموعه انسان‌ها چگونه است؟ این مقاله با آن که به نکات مهمی می‌پردازد، اما مساله اش، کمتر مربوط به تبیین بنیان‌های پیشینی جامعه اسلامی در تلقی آیت الله خامنه‌ای است. شفیعی و نیک بین (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «مؤلفه‌های کارآمدی نظام دینی در اندیشه مقام معظم رهبری» بیان می‌کنند دین می‌تواند برای تمام عرصه‌های اجتماعی، در کلیه زمان‌ها و مکان‌ها راهکارهایی متناسب با وضعیت موجود ارائه

دهد. کارآمدی در نظام دینی با کارآمدی یک جامعه سکولار متفاوت بوده و نظام دینی باید علاوه بر تلاش در جهت تحقق بعد عام کارآمدی باید به بعد اختصاصی آن نیز توجه داشته باشد. برای دستیابی به این مهم در جامعه، باید سه عنصر مهم دین یعنی اعتقادات، اخلاق و احکام مورد توجه قرار گیرد. در این صورت، دین می‌تواند حداکثر میزان کارآمدی را به نمایش گذارد. کارآمدی نظام جمهوری اسلامی نیز، که بر اساس دین پی‌ریزی شده است، باید در چارچوب همین سه مؤلفه مورد ارزیابی قرار گیرد. این مقاله با وجود قوت علمی درخصوص مبانی اندیشه سیاسی رهبری بحثی به میان نیاورده است.

سمیعی اصفهانی، رفیعی و نوری (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «ابعاد، مؤلفه‌ها و تهدیدات هویت اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری» بیان می‌کنند اندیشه‌های رهبری در سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری در بینش توحیدی ذوب شده است و می‌تواند برای عصر رهاشده از خودیت و خودباوری حاضر الگو باشد. مهمترین مشکل عصر حاضر برای جوان، از نظر رهبری مشکل بی‌هویتی است. ابعاد هویت شامل فردی، اجتماعی، ملی، جهانی و دینی است. مهمترین مؤلفه هویت اسلامی از بعد شناختی، بینش توحیدی و از بعد عاطفی، خودباوری و اعتماد به نفس و از بعد رفتاری، آزادی مبتنی بر اخلاق و عاری از «دروغ‌گویی و شایعه پراکنی» و تلاش برای داشتن هویت دینی است که اعم از هویت ملی و سایر هویت‌هاست. از مهمترین تهدیدات هویت اسلامی یاس و تیره کردن افق با به رخ کشیدن فاصله‌های علمی، اشکال تراشی غیرمنطقی، هوچی‌گری مطبوعاتی (ناتوی فرهنگی) است. نویسندگان به خوبی تهدیدات هویت اسلامی را از منظر امام و رهبری تبیین کرده‌اند اما سخنی در باب جامعه اسلامی و نسبت آن با هویت اسلامی نکرده‌اند.

مقاله دیگری در کتاب منظومه فکری آیت الله العظمی خامنه‌ای (خسروپناه و همکاران، ۱۳۹۶) با عنوان «جامعه اسلامی» آمده است. این مقاله نیز عمدتاً به مباحثی نظیر اهداف جامعه مطلوب (اعم از اهداف غایی و اهداف میانی)، شاخصه‌های جامعه مطلوب اسلامی و آسیب‌شناسی جامعه مطلوب می‌پردازد. نویسنده در این مقاله با آنکه در گفتار دوم مقاله به مبانی جامعه مطلوب می‌پردازد، در عین حال به اختصار و گذرا، به برخی از مبانی این جامعه نظیر مبانی انسان شناختی، مبانی هستی شناختی و مبانی فرجام شناختی اشاراتی مختصر دارد. نویسنده مقاله ضمن اینکه عمدتاً به مساله کلی ارتباط وثیق میان مبانی اعتقادی و ساخت کلی

جامعه تاکید می کند کم تر به تشریح این مبانی و نحوه تاثیرگذاری آن ها بر ساخت جامعه اسلامی می پردازد. لذا نوشتار حاضر از جهت پرداخت تفصیلی به مبانی جامعه اسلامی و نحوه تاثیر این مبانی ساخت اجتماعی این جامعه، حاوی وجوه نوآورانه محسوب می شود.

## ۲- مبانی مفهومی

از شیوه های شناخت اندیشه یا مواضع سیاسی و رفتاری هر متفکر در حوزه سیاسی و اجتماعی، مشخص شدن مبانی فکری و اندیشه ای اوست. در مجموع، اندیشه یا رفتار رجال سیاسی مذهبی در چهارچوب منطق و عقلانیت ویژه ای شکل می گیرد که می تواند خاستگاه های معرفتی گوناگون داشته باشد (نعیمیان، ۱۳۸۹: ۳۵۳-۳۵۱). آیت الله خامنه ای نیز از این قاعده مستثنا نیست. بنابراین برای درک اندیشه سیاسی- اجتماعی او و به طور مشخص تر شناخت دیدگاه وی درباره جامعه اسلامی و ابعاد و مولفه های آن، لازم است شالوده های فکری و فلسفی ایشان به لحاظ هستی شناسی، معرفت شناسی و انسان شناسی بررسی گردد.

### ۱-۲- هستی شناسی

هستی شناسی از لحاظ لغوی عبارت است علم یا فلسفه هستی (های، ۱۳۸۵: ۱۰۶) و شاخه ای از فلسفه است که به مطالعه بودن، هستی یا وجود می پردازد (باقری دولت آبادی و شفیع، ۱۳۹۳: ۵۶). هستی شناسی در اصطلاح فلسفه نظریه عام است درباره این که چه چیزها و یا چه جوهرهایی در جهان وجود دارند (بتون و کرایب، ۱۳۸۴: ۲۲). دانش هستی شناسی در پی تشخیص و شرح رده های بنیادین و ارتباطات آنها در هستی یا عالم وجود برمی آید تا بدین وسیله به تعریف موجودات و انواع آنها در آن چارچوب بپردازد. این دانش درصدد ارائه و آزمون ادعاهایی درباره این که پدیده های اجتماعی و سیاسی چیستند، از چه اجزایی تشکیل شده اند و این اجزا چه ارتباطی با یکدیگر دارند است. به تعبیر دیگر هستی شناسی معطوف به بررسی فرض هایی خاص درباره جامعه و سیاست است (افتخاری، ۱۳۹۲: ۱۱).

هستی شناسی به اتکای امکانات ویژه اش، اعم از مفاهیم و روش ها، گونه های وجودی را تعریف کرده؛ به بررسی ویژگی ها و مشخصه های این گونه ها می پردازد. به عنوان مثال هستی شناسی می پرسد، داشته های درونی ما همچون باورها، احساس ها و دانسته ها در کدام موطن و چگونه وجود دارند؟ اگر چنین چیزی یافت می شود، در کدام مقوله باید طبقه بندی شود؟ (شمس، ۱۳۸۷: ۹).

## ۲-۲- معرفت‌شناسی

معرفت‌شناسی یا شناخت‌شناسی شاخه‌ای از فلسفه است که به عنوان نظریه چپستی معرفت و راه‌های حصول آن تعریف می‌شود. اینکه چگونه می‌دانیم که چیزی را که می‌دانیم، می‌دانیم پرسش کلیدی است که معرفت‌شناسی درصدد پاسخ به آن است. در معرفت‌شناسی پژوهشگر به این پرسش می‌پردازد که چگونه می‌توانیم درباره هستی‌هایی که وجود آنها را قبول کرده‌ایم شناخت به دست آوریم (صادقی فسایی و ناصری، ۱۳۹۰: ۸۱). در واقع در حالی که هستی‌شناسی به مولفه‌های ماهوی دفاع نظری دارد، معرفت‌شناسی نمود عینی آن ماهیت را در عالم خارجی تبیین می‌کند (افتخاری، ۱۳۹۲: ۱۲).

## ۲-۳- انسان‌شناسی

انسان‌شناسی یکی از مهم‌ترین دانش‌های زیربنایی در علوم انسانی است. شناخت دقیق و جامع چپستی و هویت انسان‌شناسی درآمد ورود به مباحث آن است. بی‌تردید تعریفی که هر فلسفه سیاسی از انسان به دست می‌دهد، تأثیری مبنایی بر کل آن فلسفه دارد. تلقی فیلسوفی از انسان چونان موجودی بدطینت با سرشتی شرور نوعی فلسفه سیاسی به دست می‌دهد و فیلسوفی که انسان را موجودی پاک سرشت و نیک‌خو می‌داند، فلسفه سیاسی متفاوتی نتیجه می‌گیرد. همین‌طور است درک جبرگرایانه و یا مختار از انسان. در این نوع بررسی، سؤالات اساسی و محوری درباره آدمی طرح می‌گردد و محقق باید به دنبال پاسخ به چنین سؤالاتی باشد؛ سؤالاتی از این قبیل: آیا انسان موجودی کاملاً مادی است به گونه‌ای که همه فعالیت‌های روانی و فکری او قابل تبیین فیزیولوژیک باشد؟ یا این که فعالیت‌های روانی او ماهیتی غیرمادی دارد و مستند به جوهری غیرمادی به نام روح انسانی است؟ آیا انسان‌ها دارای سرشت و طبیعت واحد و مشترکی هستند یا نه؟ کمال انسانی چیست و راه وصول به آن کدام است؟

## ۳- مبانی نظری و الگوی تحلیل

### ۳-۱- بنیادهای هستی‌شناسی جامعه اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

منظور از جهان بینی اسلامی در اینجا، مجموعه معارفی است که خطوط اصلی عملکرد و وظایف ما (به عنوان یک انسان مسلمان) از آنها به دست می‌آید (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲). ایشان در دیدار با کارگزاران نظام در سال ۷۹، خطوط اصلی این جهان بینی اسلامی را

توضیح می‌دهند. رهبری رکن اول از ارکان پنج‌گانه جهان‌شناسی اسلامی را مساله «توحید» می‌دانند. توحید را می‌توان سنگ بنای جامعه اسلامی دانست. توحید به تعبیر علامه طباطبایی، ناموس قوانین اسلامی و به تعبیر استاد مطهری، سرسلسله تمام معتقدات دینی، ایمان به خداست. (مطهری، ۱۳۹۱: ۱۱) ریشه اصلی درخت دین، اصول اعتقادات آن است و جان مایه اصول اعتقادات، توحید و اندیشه توحیدی است. تقریباً می‌توان گفت که خاستگاه اصلی اندیشه اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای (و از جمله برداشت ایشان از جامعه اسلامی)، توحید و اندیشه توحیدی است. ایشان در تعریف توحید بیان می‌دارند: «توحید، یعنی اعتقاد به این‌که این ترکیب پیچیده‌ی بسیار عجیب و شگفت‌آور و قانونمند کائنات و عالم آفرینش، از کهکشانها و سحابیها و حفره‌های عظیم آسمانی و کرات بی‌شمار و میلیونها منظومه‌ی شمسی بگیری، تا سلول کوچک جزء فلان پیکر ... ساخته و پرداخته‌ی یک فکر و اندیشه و تدبیر و قدرت است و تصادفاً به وجود نیامده است». (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲)

توحید در اندیشه ایشان، حاوی وجوه سلبی و ایجابی است؛ چنانکه ایشان در تعریفی که از توحید ارائه می‌دهند، آن را عبارت می‌دانند از اینکه انسان غیر خدا را عبودیت نکند و در مقابل غیر خدا جبهه بندگی به زمین نساید. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۱۰/۱۰) ایشان عبودیت خداوند را در کنار اجتناب از طاغوت می‌بیند و در واقع معاضدت و همگرایی هر دو وجه سلبی و ایجابی توحید و اندیشه توحیدی هستند. جالب آنکه اجتناب از طاغوت در تلقی ایشان، صرفاً دوری گزیدن از طاغوت و برکشیدن دامن به منظور آلوده نشدن به پلشتی‌های طاغوت نیست، بلکه «تقابلی» میان خط توحید و خط طاغوت وجود دارد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱/۱۴) به عبارتی نوعی مصاف و درگیری میان این دو خط وجود دارد و همین تقابل، ملازمه‌ای قطعی با ایمان به خدا و اندیشه توحیدی می‌یابد. وجه سلبی توحید، آنقدر در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای پررنگ است که ایشان، اساساً توحید خالص را معادل نفی عبودیت غیر خدا می‌دانند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۷/۲۲) ایشان در تعریف دیگری از توحید، به ارتباط آن با جامعه می‌پردازند: «توحید یعنی حاکمیت ارزشهای الهی بر جامعه و نفی حکومت‌های طاغوتی، استبدادی، فاسد و طغیانگر بر ارزشهای انسانی و اصیل». (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۷/۲۲) از این تعریف پیداست که جامعه اسلامی در واقع همان جامعه توحیدی است و شاخصه و علامت اصلی جامعه اسلامی، استقرار و نهادی شدن ارزش‌های توحیدی و الهی در جامعه است؛ چنانکه این ایمان جمعی، ملازمه‌ای

قطعی و ضروری با اجتناب جمعی از طواغیت و مقابله با آن و ترسیم پررنگ خطوط میان جامعه اسلامی و جامعه طاغوتی، برقرار می‌کند.

از منظر آیت الله خامنه‌ای، توحید صرفاً یک مساله انتزاعی مجرد فلسفی و نظری نیست، بلکه نوعی شیوه زیست است (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۷/۲۲) که هم شامل زیست جمعی می‌شود و هم شامل زیست فردی. خصلت انضمامی توحید (در عین ابعاد نظری آن) و نیز وجه جمعی و مدنی آن، خود به روشنی، مبین ارتباط میان جامعه اسلامی و توحید است. رکن دوم جهان بینی اسلامی که با مساله انسان‌شناسی ارتباط مستقیمی می‌یابد، «تکریم انسان» است. انسان‌ها فارغ از نوع نژاد، جنسیت، زیست جغرافیایی و حتی دین و مذهب، دارای کرامت ذاتی هستند؛ چنانکه تعبیر قرآن «و لقد کرّمنا بنی آدم» که در قرآن آمده، ناظر به همین کرامت ذاتی آدمی است. در واقع در اینجا با نوعی انسان محوری (به معنای دینی کلمه) مواجه هستیم که با اومانیزم روشنگری و سوپژکتیویسم، کاملاً متفاوت است.

آیت الله خامنه‌ای در مورد تکریم انسان طبق نگاه اسلامی در هر دو حوزه تکوین و تشریح، اینچنین اظهار می‌دارند: «کسی که قرآن و نهج‌البلاغه و آثار دینی را نگاه کند، این تلقی را به‌خوبی پیدا می‌کند که از نظر اسلام، تمام این چرخ و فلک آفرینش، بر محور وجود انسان می‌چرخد... یعنی پایه‌ها کاملاً پایه‌های انسانی است». (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲) از عبارات بالا، می‌توان این نکته را برداشت کرد که جامعه اسلامی است که پایه آن بر مبنای تکریم انسان‌ها بنا شده است، یعنی علاوه بر تکریم تکوینی، حکومت موظف است در تشریح و در حوزه قانونگذاری و سیاستگذاری، به گونه‌ای عمل نماید تا کرامت و عزت ذاتی آحاد جامعه اسلامی محفوظ بماند. سومین رکن از ارکان جهان بینی اسلامی، که آن هم ارتباط با مساله انسان‌شناسی دارد، مساله تداوم حیات پس از مرگ است. اصولاً یکی از تفاوت‌های اسلام و مکاتب مادی در همین مساله است. تداوم حیات انسان پس از مرگ، به مثابه‌ی نوعی افق‌گشایی در برابر اوست؛ به بیان دیگر، مرگ به مثابه پلی است که ما را از دنیا (ممر) به دارالقرار آخرت (مقر) عبور می‌دهد و لذا به هیچ وجه پایان حیات محسوب نمی‌شود. این مساله‌آنگاه که در یک مقیاس اجتماعی ملاحظه شود، تعریف ما از جامعه و دولت را به کلی دگرگون می‌کند. در نگاه مادی و ماتریالیستی، به دلیل فقدان اعتقاد به مساله ابدیت و حیات پس از مرگ، نوعی نگاه تک‌بعدی و حیوانی نسبت به جامعه وجود دارد و حتی در برنامه‌ریزی‌هایی که برای تامین نیازها و اهداف چنین جوامعی در نظر گرفته می‌شود)



از قبیل برنامه‌های توسعه)، متوقف در نیازهای حیوانی و مادی است. اما جامعه اسلامی، به دلیل نگرش خاصی که به مساله حیات دارد، جامعه‌ای است که دنیا را مزرعه آخرت می‌داند؛ لذا گرچه در این دنیا تلاش می‌کند، از مواهب آن بهره‌مند گردد و از جمله به فکر منافع مادی خود نیز هست (چنانکه جامعه گرسنه، فقیر و ناامن به هیچ وجه مطلوب دین نیست)، لکن تمامی فعالیت‌های خود را رو به سوی حیات ابدی و ناظر به آن، جهت‌گیری و تنظیم می‌کند.

چهارمین رکن جهان بینی اسلامی، مربوط است به ظرفیت‌ها و استعدادهای نامحدود و بی‌پایان آدمی برای نیل به تعالی است. رهبری در این زمینه می‌گوید: «انسان استعداد دارد که تا آخرین نقطه تعالی حیات ممکنات بالا برود؛ اما بقیه موجودات این امکان را ندارند... شکوفایی انسان، همراه با شکوفایی عالم ماده و عالم طبیعت است؛ این در شکوفایی او اثر می‌گذارد، او در شکوفایی این اثر می‌گذارد و پیشرفتهای شگفت‌آور را به وجود می‌آورد» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲). پنجمین رکن از ارکان جهان بینی اسلامی از نظر آیت الله خامنه‌ای، حرکت عمومی عالم به سمت صلاح و غلبه اهل حق بر شرور عالم است. ایشان در توضیح این مطلب چنین بیانی دارند: «از نظر اسلام و پیش اسلام، جریان عالم به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح است... همه انبیا و اولیا آمده‌اند تا انسان را به آن بزرگراه اصلی سوق دهند که وقتی وارد آن شد، بدون هیچ‌گونه مانعی تمام استعدادهایش می‌تواند بروز کند» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲).

### ۲-۳- بنیادهای معرفت‌شناسانه جامعه اسلامی از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای در مقام یک عالم شیعی مبرز که میراث بر اندیشه‌های ناب معصومین (ع) است به صورت طبیعی و واضح با انحصار تمدن در گروهی خاص مخالف است. ایشان اسلام را دینی جهانی می‌دانند و به همین واسطه تمدن نوین اسلامی را نیز تمدنی جهان شمول و آفاقی به حساب می‌آورند. ایشان در بیانی می‌فرمایند: «امت اسلامی با یک تلاش مجاهدانه و مجدانه می‌تواند تمدن اسلامی باب این دوران را طراحی کند، شالوده ریزی کند، به ثمر برساند و آن را در مقابل بشریت قرار بدهد» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴ / ۱۰ / ۸). ایشان تفکرات غربی‌ها را تفکراتی مبتنی بر معرفت‌شناسی مادی و غیرالهی معرفی می‌کنند و بر غلط بودن هر دستگاه علمی و فکری که بر پایه معرفت مادی و اعتقاد مادی باشد، تاکید دارند. معظم له معتقدند باید با اعتقاد به وجود خدا اعتقاد به قدرت خدا، حضور الهی و ربوبیت الهی به حقایق آفرینش نگاه کرد و بایستی با نگاه

معرفت‌شناسی الهی به حقایق پی برد (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۱/۳۰). لذا معرفت‌شناسی مورد نظر ایشان از معرفت‌شناسی‌های پوزیتیویستی صرف یا تفسیری خاص دور شده و بر محور معرفت‌شناسی الهی استوار است.

### ۳-۳- بنیادهای انسان‌شناسانه جامعه اسلامی از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای

قبل از اینکه به بحث انسان در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای و تاثیر آن بر تلقی ایشان از جامعه اسلامی بپردازیم باید توجه داشت که نگاه آیت الله خامنه‌ای در پاسخ به این پرسش که نگاه اسلام به «فرد انسان» و «مجموعه انسان‌ها» چگونه است؟ ایشان به این پرسش به عنوان یک «مطلب معرفتی اسلامی» و نه یک مسأله فلسفی، منطقی، اصولی و فقهی و یا جامعه‌شناختی پاسخ می‌دهند. (لک زایی، ۱۳۹۵: ۶۵)

نکته مهم این است که در اندیشه آیت الله خامنه‌ای، بدون آنکه چندان پیرامون پرسش‌هایی فلسفی نظیر «نسبت فرد و جامعه چیست؟» یا «از میان جامعه و فرد کدامیک اصیل است و کدامیک اعتباری؟» و ... بپردازد بیش‌تر به تشریح دیدگاه اسلام در مورد فرد و جامعه پرداخته است. در تلقی آیت الله خامنه‌ای، اسلام هم به فرد توجه داشته و هم به جمع. ایشان درباره موضع اسلام راجع به انسان و فرد انسانی، انسان را به سائر و رونده‌ای تشبیه می‌کنند که از نقطه‌ای (خودپرستی) به نقطه‌ی دیگری (خداپرستی) حرکت می‌کند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۲/۲۵) ایشان بر این باورند که در کنار نگاه اول اسلام به انسان، نگاه دیگری به انسان وجود دارد و به نظر، مفهوم «جامعه اسلامی» از همین جا اهمیت پیدا می‌کند. معظم له در تبیین این موضوع، وظیفه مهم در این ساحت را مدیریت دنیا می‌دانند. «در زاویه‌ای دیگر در نگاه کلان، همین انسانی که مخاطب به خطاب فردی است، خلیفه‌ی خدا در زمین معرفی شده؛ یک وظیفه‌ی دیگری به او واگذار شده و آن عبارت است از وظیفه‌ی مدیریت دنیا». (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۲/۲۵)

ناگفته پیداست که مدیریت دنیا، بدون تمهیداتی در زمینه جامعه‌پردازی، بی‌معنا و در عمل نیز ناممکن است. اصولاً جامعه‌ای که انسان در آن زندگی می‌کند بخش مهمی از زیست‌دنیایی او را تشکیل می‌دهد. جامعه اسلامی نیز به همین سیاق، از جمله زمینه‌هایی است که مدیریت دنیا در بستر آن معنا می‌یابد و درست در همین زمینه و بستر است که جامعه اسلامی معنای محصل خود را باز می‌یابد. بسیاری از ارزش‌های انسانی نظیر عدالت،

آزادی، امنیت و سعادت صرفاً از طریق جامعه است که قابلیت تامین و تحقق پیدا می‌کند. در حقیقت می‌توان گفت که مدیریت دنیا و تحقق ارزش‌های اسلامی نظیر عدالت و ... بدون تشکیل جامعه اسلامی و نیز حکومت اسلامی بی‌معناست.

#### ۴ - شاخصه‌های جامعه اسلامی

بر مبنای آنچه به عنوان مبانی هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه و انسان‌شناسانه جامعه اسلامی در اندیشه رهبری ذکر کردیم؛ جامعه اسلامی مد نظر ایشان را می‌توان، در تداوم رسالت‌های عمومی انبیاء، جامعه‌ای توحیدی تعریف کرد که جامعه‌ای است مبتنی بر تعبد، ایمان و عمل صالح آحاد ملت. در اندیشه رهبری، چنین جامعه‌ای باید در حوزه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی برخوردار از شاخصه‌های ذیل باشد:

##### ۴-۱- حوزه سیاسی

حوزه سیاسی حوزه حکمرانی و حکومت ورزی است. در این حوزه است که پایه‌های بخش‌های دیگر اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ریخته شده و جامعه در مسیر صحیح قرار می‌گیرد. لذا لازم است که در این حوزه آنچه که در صدر قرار می‌گیرد حفظ انقلاب و دستاوردهای آن باشد تا زمینه‌گذار از نظام اسلامی به جامعه اسلامی فراهم شود. در این زمینه مهمترین تاکید رهبری بر حفظ و گسترش آرمان‌های امام و انقلاب بوده است. فرض مسلم این است که شناخت آرمان‌های انقلاب اسلامی بدون شناخت اندیشه‌های امام (ره) ممکن نیست. یکی از شاخص‌های مهم جامعه اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران حرکت مردم و مسئولان در راستای تحقق اندیشه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... امام راحل (ره) و همچنین آرمان‌ها، ارزش‌ها و اصول و اهداف عالی انقلاب اسلامی است. رهبر انقلاب در بیست و ششمین سالگرد ارتحال حضرت امام (ره) به ارایه اصول و مبانی هفتگانه‌ای مکتب امام می‌پردازند و آنها اصول ذیل را «جزو مسلمات منطق امام و مکتب امام و راه امام و خط امام» عنوان می‌کنند: «اثبات اسلام ناب محمدی و نفی اسلام آمریکایی؛ اتکال به کمک الهی، اعتماد به صدق وعده‌ی الهی، و نقطه‌ی مقابل، بی‌اعتمادی به قدرتهای مستکبر و زورگوی جهانی؛ اعتقاد به اراده‌ی مردم و نیروی مردم، و مخالفت با تمرکزهای دولتی؛ حمایت از محرومان و مستضعفان؛ مخالفت با قلدران بین‌المللی و مستکبران؛ استقلال کشور و

ردّ سلطه‌پذیری و مسئله‌ی وحدت‌مَلّی» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۳/۱۴) موارد فوق را می‌توان مهمترین تأکیدات رهبر معظم انقلاب در طول سه دهه گذشته دانست که همگی بر گرفته از آرمانها و گفتمان امام راحل (ره) بوده است.

## ۲-۴- حوزه اقتصادی

اگرچه اقتصاد در اسلام هدف نیست اما وسیله‌ای برای تعالی جایگاه انسان محسوب می‌شود. جایگاه اقتصاد در جامعه اسلامی مورد نظر مقام مظم رهبری به قدری رفیع است که ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب درخصوص آن فرمودند: «اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهمّ سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر می‌گذارد. اقتصاد البتّه هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمیتوان به هدف‌ها رسید. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲) از مجموع صحبت‌ها و سخنرانی‌های رهبری می‌توان اینگونه استنباط کرد که ایشان در بعد اقتصادی بر دو مسأله اقتصاد پویا و عدالت محور متمرکز هستند. در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای توجه به عدالت در مفهوم‌پردازی تمدن اسلامی بسیار جدّی است و تمدن اسلامی بدون عدالت، نمی‌تواند معنا شود. در این نگاه جامعه در تمدن اسلامی با عدالت هویت می‌یابد: «در جامعه باید عدالت اجتماعی باشد. عدالت به معنای یکسان‌بودن همه برخوردارانی نیست؛ به معنای یکسان‌بودن فرصت‌هاست؛ یکسان‌بودن حقوق است. همه باید بتوانند از فرصت‌های حرکت و پیشرفت بهره‌مند شوند. باید سرپنجه عدالت گریبان ستمگران و متجاوزان از حدود را بگیرد و مردم به این، اطمینان پیدا کنند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۰۸/۲۰). ایشان در باب مفهوم عدالت اجتماعی معتقدند «نظر و نگاه دستگاه قدرت و حکومت باید نسبت به آحاد مردم در برابر قانون امتیازات و برخوردها و رفتارها یکسان باشد و آحاد مردم از امتیازات و خیرات اسلامی به صورت عادلانه بهره‌مند شوند و هیچ کس بدون دلیل امتیاز ویژه‌ای نداشته باشد». (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۹/۵) اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای در قلمرو عدالت از این امتیاز برخوردار است که به مباحث نظری بسنده نکرده و به نکات ظریفی در قلمرو استقرار عملی عدالت در عینیت جامعه اسلامی نیز توجه کرده است. ایشان در جایی دیگر با استناد به آیه قران کریم، هدف نظام اسلامی را قسط دانسته و می‌فرمایند: «اساس جامعه در نظام

جمهوری اسلامی ليقوم الناس بالقسط است. هدف عدالت و قسط اجتماعی است. جامعه زمانی به صلاح، آبادانی و عمران و نجات حقیقی خواهد رسید که این تامین شود». (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۹/۲۹) نکته مهم در هدف‌گذاری تمدنی بر محور عدالت این است که دیگر اهداف تمدنی نیز باید با عدالت همخوانی داشته باشند. ایشان بر این مطلب اصرار دارند که «ما رونق اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت اجتماعی به هیچ وجه قبول نداریم و معتقد به آن نیستیم» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰). لذا در منظومه فکری رهبری حتی اگر کشوری در علم و فناوری و جلوه‌های گوناگون تمدن مادی پیشرفت کند، اما عدالت اجتماعی در آن نباشد، این با منطق اسلام، پیشرفت محسوب نمی‌شود. «امروز در بسیاری از کشورها علم پیشرفت کرده است، صنعت پیشرفت کرده است، شیوه‌های گوناگون زندگی پیشرفت کرده است، اما فاصله طبقاتی عمیقتر و شکاف طبقاتی بیشتر شده است؛ این پیشرفت نیست؛ این پیشرفت سطحی و ظاهری و بادکنکی است» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۱۲). لذا نمی‌توان از جامعه اسلامی سخن گفت اما عدالت اسلامی در آن وجود نداشته باشد.

#### ۴-۳- حوزه اجتماعی - فرهنگی

آنچه که بیش از همه تمایز جامعه اسلامی را از جوامع غربی در دو بعد فردی و اجتماعی به نمایش می‌گذارد حوزه اجتماعی - فرهنگی است. لذا رهبری در توصیف جامعه اسلامی بیش از هر چیز بر بعد سلامت اعتقادی، اخلاق‌مداری و پرهیز از سطحی‌نگری تأکید دارند.

#### ۴-۳-۱- سلامت اعتقادی

آنچه که به فرموده رهبر انقلاب باعث گردید ملت ایران در برای «آن همه خصومت و شقاوت و توطئه و خبائث» ایستادگی کند «قدرت عظیم ایمان و انگیزه این ملت و رهبری آسمانی و تایید شده امام عظیم‌الشان» بود. لذا اگر قرار باشد جامعه اسلامی برقرار گردد نخستین گام تقویت قدرت ایمان و انگیزه در میان نیروهای خود و دومین گام پاسداشت و مراقبت از جامعه در برابر این خطرات خواهد بود. برای رسیدن به این موقعیت ضمن داشتن هوشیاری و بصیرت، برنامه ریزی و آموزش مداوم امری لازم و ضروری است. لازم است که سرمایه معنوی و اخلاقی جامعه که به فرموده رهبر انقلاب یکی از دستاوردهای چهل ساله نظام است حفظ شده و جلوی رواج «بی بند و باری و فساد»، «آلودگی‌های اخلاقی» و «لجنزارهای فساد» سد گردد. «فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و

نظام‌ها [است] و اگر در بدنه‌ی حکومت‌ها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آن‌ها است؛ و این برای نظامی، چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنائی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌ها است. وسوسه‌ی مال و مقام و ریاست، حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیر المؤمنین (علیه‌السلام) کسانی را لغزاند، پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه‌ی زهد انقلابی و ساده زیستی می‌دادند، هرگز بعید نبوده و نیست؛ و این ایجاب می‌کند که دستگامی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند، بویژه در درون دستگاه‌های حکومتی.» (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷: ۱۱) رهبر انقلاب درخصوص این آسیب در جای دیگری از بیانیه گام دوم انقلاب می‌فرماید: «ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد؛ و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست. در دوره‌ی پیش رو باید در این باره‌ها برنامه‌های کوتاه مدت و میان مدت جامعی تنظیم و اجرا شود.» (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷: ۱۰)

#### ۴-۳-۲- پرهیز از سطحی‌نگری

جامعه اسلامی تنها به شکل و ظاهر خود اسلامی نخواهد بود بلکه اسلامی بودن آن در گرو اجرای احکام اسلام در آن است. جامعه‌ای است که شهروندان و دولت خود را مبادی ادب اسلامی دانسته و بر رعایت احکام الهی پافشاری کنند. در حال حاضر بسیاری از دولت‌ها را می‌توان در جهان سراغ گرفت که پیشوند یا پسوند اسلامی را در عنوان حکومت خود دارند اما نشانی از اسلام در آنها دیده نمی‌شود. به اعتقاد رهبری «اصل قضیه، درست کردن سبک زندگی است، رفتار اجتماعی است، اخلاق عمومی است، فرهنگ زندگی است. باید در این بخشها پیش برویم؛ باید تلاش کنیم. تمدن نوین اسلامی که ما مدعی‌اش هستیم و دنبالش هستیم و انقلاب اسلامی می‌خواهد آن را به وجود بیاورد، بدون این بخش تحقق پیدا نخواهد

کرد» (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۱/۷/۲۶). ایشان، مسایلی مانند اخلاق حرفه‌ای، کار جمعی، رعایت حقوق اجتماعی، صداقت، پرهیز از پرخاشگری، وجدان کاری، قانونگرایی، انضباط اجتماعی، نشاط اجتماعی، کرامت اجتماعی زن و همچنین حوزه‌هایی از قبیل حوزه مصرف، حوزه اوقات زندگی، حوزه پوشش و حوزه تعاملات اجتماعی را از مهمترین شاخص‌های اصلاح سبک زندگی برشمردند که می‌توان با آسیب شناسی و یافتن شیوه‌های آن به پیشرفت در این حوزه‌ها نیز امید داشت.

معظم له تحجر، سطحی‌نگری و ظاهرگرایی را از جمله عوامل سکولاریسم پنهان دانسته و پرهیز از سطحی‌نگری و مواردی از این دست را از الزامات تدوین تمدن سازی اسلامی در جامعه اسلامی برمی‌شمردند « گاهی اوقات در ظاهر، تبلیغات، تبلیغات دینی است؛ حرف، حرف دینی است؛ شعار، شعار دینی است؛ اما در باطن، سکولاریسم است؛ جدائی دین از زندگی است؛ آنچه که بر زبان جاری می‌شود، در برنامه ریزی‌ها و در عمل دخالتی ندارد. ادعا می‌کنیم، حرف می‌زنیم، شعار می‌دهیم و وقت عمل یارای کار نداریم.» (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳)

#### ۴-۳-۳- اخلاق مداری

توصیه های اخلاقی مقام معظم رهبری را می‌توان در سه مقوله اصلی طبقه بندی کرد. آن دسته از توصیه هایی که ناظر به مقام و شأن فردی یک کارگزار است و بایستی در ارتباط با خودش رعایت کند، به عنوان مثال «استمرار ارتباط با خداوند»، اخلاق فردی نام گذاری شده است. همچنین آن دسته از توصیه ها و رهنمودهایی که در ارتباط با جامعه و مردم بیان شده اند، از قبیل کسب رضایت مردم، در اخلاق اجتماعی جای گرفته اند. در نهایت آن دسته از توصیه هایی که درباره ی نحوه ی تعامل با سایرین و زیردستان و در ارتباط با نحوه ی انجام کار مطرح شده است، اخلاق اداری نام گذاری شده اند. رعایت اخلاق فردی طبیعتاً در رعایت اخلاق اجتماعی و اخلاق اداری نقش اساسی ایفا می نماید. در نهایت، هدف از رعایت این بایسته های اخلاقی و پرهیزها در حقیقت خدمت گذاری به مردم در جهت کسب رضایت الهی است (خان محمدی و کشاورزبان، ۱۳۹۸: ۱). اهمیت اخلاق در جامعه اسلامی به اندازه ای است که رهبر معظم انقلاب آن را حتی بالاتر از «عمل» می دانند (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۸/۶/۲۹) و می فرمایند: «جامعه بدون برخورداری افراد از خلیقات نیکو، نمی‌تواند به هدفهای والای بعثت پیامبر دست پیدا کند.» (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۵/۱/۶)

## نتیجه‌گیری

آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان یک متفکر مسلمان، نگاه خاصی به مفهومی به نام جامعه اسلامی دارد؛ این نگاه بیش از همه تحت تاثیر انگاره‌های اسلامی است. فهم این انگاره‌ها در تلقی آیت‌الله خامنه‌ای و برداشت ایشان از مهم‌ترین عناصر و مولفه‌های بنیادین اسلامی، در کشف فهم ایشان از مفهوم جامعه اسلامی بسیار کارگشا است؛ چه اینکه این مولفه‌های بنیادین به طور طبیعی امتدادی در حوزه حکمت عملی و از جمله مفهوم جامعه و یا جامعه اسلامی دارد. مدعای نوشتار حاضر این است که کشف جایگاه جامعه اسلامی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، مستلزم کشف و فهم عناصر بنیادین اندیشه ایشان است. از این رو نوشتار حاضر بر مبنای چهار مولفه بنیادین اندیشه ایشان یعنی توحید، ولایت، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی است. از مجموع مباحث بنیادین آیت‌الله خامنه‌ای در مباحث یاد شده، این نکته به دست آمد که ایشان به دلیل آنکه متفکری است که ذیل عالم اسلامی به طرح مباحث و ایده‌های خود می‌پردازد، تاثیر این عالم بر فهم ایشان از مفهوم جامعه اسلامی کاملاً تعیین‌کننده است. به عنوان مثال نوع نگاه و تلقی خاصی که ایشان از توحید دارد (که با دو مولفه نفی طاغوت و عبودیت‌الله تعریف می‌شود)، جهت‌گیری‌های خاصی به جامعه اسلامی می‌بخشد؛ چه اینکه از این منظر جامعه استعمارزده و جامعه‌ای که تحت لوای استبداد و هرگونه نظم سلطانی است، به دلیل آنکه تن به حاکمیت طاغوت داده، از دایره تعریف جامعه اسلامی بیرون است. حتی با این تلقی از توحید، جوامعی که تن به دمکراسی سکولار غربی داده‌اند نیز در زمره جوامع غیر اسلامی و مبتنی بر طواغیت به سر می‌برند. یا به عنوان مثال تلقی خاص آیت‌الله خامنه‌ای از انسان به عنوان یک موجود سائر و در حال حرکت است که از مبدا خاصی (خود پرستی) به سوی مقصد خاصی (خداپرستی) در حال حرکت است. جامعه اسلامی با این تلقی، جمع میان انسان‌هایی است که در حال سلوک جمعی به سمت توحید و خداپرستی‌اند، بی‌آنکه از شئون گوناگون مدیریت دنیای خود و نیز از همه آرمان‌هایی که سهم مهمی در جامعه‌پردازی و نظام‌سازی دارد نظیر عدالت و ... غافل بمانند. لذا تاثیر چنان انسان‌شناسی در تلقی ایشان از جامعه اسلامی کاملاً مشخص است. بر پایه‌ی این تلقی، جوامع صرفاً مادی که از نیازهای معنوی و دینی غفلت می‌ورزند و حتی جوامعی که تامین منافع مادی اعضای جامعه را دست‌کم می‌گیرند، هر دو با جامعه اسلامی زاویه دارند. جامعه اسلامی در تلقی آیت‌الله خامنه‌ای، به تعبیر صدرالمتألهین هم زمان، متولی «نظام معاش» و «نجات معاد» است.



## کتابنامه

- افتخاری، اصغر (۱۳۹۲). «مفهوم سیاست در مکتب رضوی»، فصلنامه فرهنگ رضوی، دوره ۳، شماره ۱، صص ۷-۲۷.
- اشرفی، اکبر؛ علیزاده سیلاب، قدسی (۱۳۹۵). «ولایت مطلقه فقیه در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی. دوره ۴، شماره ۶، صص ۲۳-۵۰.
- آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۷۳/۱۰/۱۰). بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید سعید مبعث، قابل دسترس در:  
<http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1345>
- آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۹۸/۱/۱۴). بیانات در دیدار مسئولان و سفرای کشورهای اسلامی، قابل دسترس در:  
<http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1345&npt=7>
- آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۸۲/۷/۲۲). بیانات در دیدار دانشجویان زنجان، قابل دسترس در:  
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3199>
- آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۷۰/۴/۱۰). بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام، قابل دسترس در:  
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2469>
- آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۷۹/۹/۱۲). بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام، قابل دسترس در:  
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17086>
- آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۶۹/۷/۱۶). در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام، عید غدیر، قابل دسترس در:  
<http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=3199>
- آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۸۶/۲/۲۵). بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، قابل دسترس در:  
<http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2114&npt=7>
- آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۹۳/۱/۳۰). بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور، قابل دسترس در وب سایت:  
<http://farsi.khamenei.ir/newspart>
- آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۹۴/۱۰/۸). بیانات در دیدار مسوولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، قابل دسترس:  
<http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2634&>

آیت الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۹/۷/۱۶). بیانات در دیدار مسوولان کشوری و لشکری و میهمانان شرکت کننده در کنفرانس وحدت اسلامی، قابل دسترس:

<http://farsi.khamenei.ir/newspart-print?>

آیت الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۰/۷/۱). «وحدت شیعه و سنی»، بیانات در دیدار اعضای شورای عالی مجمع تقریب مذاهب اسلامی، قابل دسترس در:

<http://farsi.khamenei.ir/newspart-print?tid=14195>

آیت الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۵/۸/۲۰). «عدالت و پیشرفت»، بیانات در دیدار مردم شاهرود، قابل دسترس در:

[http://farsi.khamenei.ir/newspart-](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=3366&nt)  
[index?id=3366&nt](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=3366&nt)

آیت الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲/۱۲/۲۰). «عدالت اجتماعی»، بیانات در جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی، قابل دسترس در:

<http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=25795&>

آیت الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۵/۹/۵). دیدار اقشار مختلف مردم و مسوولان و کارگزاران دستگاه ها، قابل دسترس در:

<https://www.leader.ir/fa/content/1357/>

آیت الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۴/۹/۲۹). «برپایی عدالت اجتماعی اساس جامعه نظام جمهوری اسلامی»، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، قابل دسترس:

<http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?sid=57>

آیت الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۱/۷/۱۲). بیانات در اجتماع مردم اسفراين، قابل دسترس در:

<https://www.leader.ir/fa/speech/9975>

آیت الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۱/۷/۲۳). بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، قابل دسترس در:

<https://www.leader.ir/fa/speech/9985>

آیت الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۱/۷/۲۶). سبک زندگی، قابل دسترس در:

<http://farsi.khamenei.ir/audio-content?id=21344>

آیت الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۵/۱/۶). «جامعه، اخلاق اسلامی، بعثت پیامبر اسلام»، بیانات در دیدار بسیجیان، قابل دسترس در:

<http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3029>

آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۸۸/۶/۲۹). «آراستگی به فضائل اخلاقی»، خطبه های نماز

عید سعید فطر، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3029>

آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۸۷/۶/۲). «جنبش عدالتخواهی»، بیانات در دیدار رئیس

جمهوری و اعضای هیات دولت، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1668>

آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۸۴/۲/۱۸). بیانات در دیدار مردم شهرستان رفسنجان، قابل

دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3288>

آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۹۸/۲/۳۰). «هویت ملی»، بیانات در دیدار جمعی از

شاعران و اهالی فرهنگ و ادب، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1679>

آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۹۷/۱۱/۲۲). بیانیه گام دوم انقلاب، قابل دسترس در:

<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

آیت الله خامنه ای، سید علی (۱۳۹۴/۳/۱۴). بیانات در مراسم بیست و ششمین سالروز

رحلت حضرت امام خمینی رحمه الله، قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29914>

باقری دولت آبادی، علی؛ شفیعی، محسن (۱۳۹۳). از هاشمی تا روحانی: بررسی سیاست

خارجی ایران در پرتو نظریه سازه انگاری، تهران: تیسرا.

بانکی پور، امیرحسین قماشچی، احمد (۱۳۸۰). تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری،

تهران: تربیت اسلامی.

بنتون، تد؛ کرایب، یان (۱۳۸۴). فلسفه علوم اجتماعی، ترجمه شهناز مسمی پرست و محمود

متحد، تهران: آگه.

جاویدی، رقیه؛ بهروزی لک، غلامرضا (۱۳۹۵). «شاخص های نظام سیاسی مطلوب از دیدگاه امام

خمینی (ره) و آیت الله خامنه ای»، فصلنامه سیاست متعالیه، سال ۱۳، شماره ۱، صص ۸۳-۱۰۲.

چهرآزاد، سعید (۱۳۹۸). «وانموده های سیاستگذارانه پسا دفاع مقدس در حیطه روابط

خارجی ایران»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، ۵(۴)، صص ۱۲۷-۱۴۴.

حیدری، زهرا و حیدری، زینب (۱۳۹۹). «بررسی دلایل ضرورت ابلاغ بیانیه گام دوم انقلاب از

دیدگاه مقام معظم رهبری»، فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی، ۹(۴)، صص ۱۹۱-۲۱۳.

خسروپناه و همکاران (۱۳۹۶). منظومه فکری حضرت آیت الله خامنه ای، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

خان محمدی، هادی؛ کشاورزبان، محمد مهدی (۱۳۹۸). «اخلاق کارگزاران از منظر مقام معظم رهبری»، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، قابل دسترس در:

<http://www.olgou.org/publication>

رضی بهابادی، بی بی سادات؛ بهادری، آتنا و پورکاوایان، زینب. (۱۳۹۹). «تحلیل مضمون آثار اقتدار ملی در بیانات آیت الله خامنه ای و مبانی قرآنی آن»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، (۲)۹، صص ۲۴۷-۲۶۹.

دارابی، علی (۱۳۹۹). «گام دوم انقلاب اسلامی، تهاجم نرم و سواد رسانه‌ای». فصلنامه مطالعات قدرت نرم، (۲)۱۰، صص ۹۵-۱۲۱.

سمیعی اصفهانی، علیرضا، رفیعی قهساره، ابوذر؛ نوری، نسیمه (۱۳۹۴). «ابعاد، مؤلفه‌ها و تهدیدات هویت اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری»، مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۳، شماره ۴۲، صص ۲۷-۴۴

شاو، برنارد جورج؛ صدیقی، عبدالعظیم (۱۳۵۱). اسلام، دین آینده جهان، ترجمه هادی خسروشاهی، قم: انتشارات نسل جوان.

شمس، منصور (۱۳۸۷). آشنایی با معرفت‌شناسی، تهران: نشر طرح نو.

شفیعی، احمد؛ نیک بین، عبدالعزیز (۱۳۹۴). «مؤلفه‌های کارآمدی نظام دینی در اندیشه مقام معظم رهبری»، جستارهای سیاسی معاصر، سال ۱۵، شماره ۶، صص ۷۵-۹۷.

صادقی فسائی، سهیلا؛ ناصری راد، محسن (۱۳۹۰). «عناصر بنیادین پژوهش کیفی در علوم اجتماعی: هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و روش»، مجله مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال ۵، شماره ۲، صص ۷۸-۹۸.

صدیق، میرابراهیم؛ جمشیدی، محسن و پورعظیم، معصومه (۱۳۹۸). «نقش و جایگاه استراتژی دفاعی در راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد سیاسی، (۱۱)۳، صص ۶۳-۹۸.

عینی زاده، محمد؛ مودب، سید رضا (۱۳۹۶). نظام سازی در نگاه تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله)، مطالعات قران و حدیث، سال ۲۱، شماره ۱، صص ۱۵۳-۱۷۵.

- فتاحیان، محمد حسین (۱۳۹۹). «درآمدی بر اندیشه سیاسی آیت الله سید علی خامنه‌ای در تحقق جامعه اسلامی»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۹(۲)، صص ۵۱-۷۲.
- فدائی دولت، فریدون و آقائی، سید داود (۱۳۹۹). «بررسی مسئولیت حمایت جمهوری اسلامی ایران در جریان بحران سوریه». فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۹(۱)، صص ۲۰۳-۲۲۴.
- لک زایی، شریف و لک زایی، رضا (۱۳۹۵). «انسان و جامعه در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای»، فصلنامه سیاست متعالیه، سال ۱۵، شماره ۴، صص ۶۳-۸۱.
- لک زایی، نجف؛ جاویدی، رقیه (۱۳۹۷). «نظریه دولت در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای»، فصلنامه علوم سیاسی، دوره ۸۱، شماره ۱، صص ۱۴۵-۱۶۶.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۱). توحید، تهران: انتشارات صدرا.
- معینی پور، مسعود؛ عبدالله نسب، محمدرضا (۱۳۹۵). «رابطه ی ولایت و جمهوریت در اندیشه ی سیاسی آیت الله خامنه‌ای»، فصلنامه سیاست متعالیه، دوره ۱۵، شماره ۱، صص ۸۳-۱۰۰.
- منوچهری، عباس (۱۳۹۰). رهیافت و روش در علوم سیاسی، تهران: سمت، چاپ سوم.
- نوری، عباس (۱۳۹۷). «ماهیت دولت اسلامی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای»، فصلنامه حکومت اسلامی، دوره ۹۰، شماره ۱، صص ۱۳۵-۱۶۴.
- نعیمیان، ذبیح‌الله (۱۳۸۹). بنیادشناسی و زمینه شناسی عقلانیت، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
- های، کالین (۱۳۸۵). درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نی.